



The Position of Military Schools in the Evolution of Military Education during the First Qajar and Pahlavi I Periods

Mehdi Sadeghzadeh^a, Reza Bigdelou^{b*}

^a MA in Islamic Iranian History, Islamic Azad University, Electronic Branch, Tehran, Iran

^b Assistant Professor in History, Policing Sciences and Social Studies Research Institute, Tehran, Iran

KEYWORDS

Nazzām schools,
military education,
army, Qajar, Pahlavi

Received: 06 January 2023;
Accepted: 06 June 2023

Article type: Research Paper
DOR: 20.1001.1.25887033.1402.7.1.1.0

ABSTRACT

With the aim of developing military education, the Nazzām schools were established in the middle of the Qajar period and were developed more and more during the Pahlavi I period as Madāres-e Nazzām. These schools were established along with other military schools in line with the reforms of the statesmen for the structural-content evolution in military education and the formation of a modern army. This study, using the historical analysis method, was primarily aimed at illuminating the role Nazzām schools played in the development and evolution of military education during the Qajar and Pahlavi I periods. The research concluded that the schools of the Qajar period were originally founded in competition with Dār ul-Funun school often to serve the political and personal goals of princes and military commanders. Therefore, although the Nazzām schools failed to bring about a specific change in the military educational system of the Qajar period due to their limited number, lack of variety and structure of the educational package, they played a significant role in the process of military education and public educational modernization during the Pahlavi I period thanks to their coherent organization, acceptable educational quality and training of students and candidates for military purposes.

* Corresponding author.

E-mail address: bigdelor@gmail.com

2023 Published by Arak University Press. All rights reserved.





جایگاه مدارس نظام در تحول آموزش نظامی دوره قاجار و پهلوی اول

مهدی صادق زاده الف، رضا بیگدلو ب*

الف کارشناسی ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی، دانشگاه آزاد واحد الکترونیکی، تهران، ایران

ب استادیار تاریخ پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی، تهران، ایران

چکیده	واژگان کلیدی
«مدارس نظام» از انواع مدارس نظامی بود که از اواسط دوره قاجار با هدف توسعه آموزش‌های نظامی ایجاد شدند و در دوره پهلوی اول با عنوان مدارس کل نظام توسعه پیدا کردند. این مدارس در کنار سایر آموزشگاه‌های نظامی در راستای اصلاحات دولت‌مردان برای تحول ساختاری- محتوایی در آموزش نظامی و تشکیل یک ارتش مدرن ایجاد شد. هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی این پرسش است که مدارس نظام چه نقشی در توسعه و تحول آموزش نظامی دوره قاجاریه و پهلوی اول داشته است. بدین منظور با روش تحلیل تاریخی به زمینه‌ها و ضرورت‌های شکل‌گیری مدارس نظام پرداخته شده و سپس با بررسی ساختار و عملکرد این مدارس در دوره قاجار و پهلوی اول، نقش آنها در روند مدرن‌سازی و تحول آموزش نظامی ایران تحلیل شده است؛ و به این نتیجه رسیده که مدارس نظام دوره قاجاریه در اصل در رقابت با مدرسه دارالفنون و غالباً با اهداف سیاسی و شخصی تأسیس شده است. با اینکه این مدارس به سبب محدود بودن و عدم تنوع و ساختار بسته آموزشی، منشأ تحول خاصی در آموزش نظامی دوره قاجار نشدند، در دوره پهلوی به دلیل تشکیلات منسجم خود و کیفیت آموزشی مورد قبول و تربیت دانش‌آموزان، در روند نوسازی آموزش نظامی و غیرنظامی سهم قابل ملاحظه‌ای ایفا کردند.	مدارس نظام، آموزش نظامی، ارتش، قاجار، پهلوی
	تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۶
	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۶
	مقاله علمی پژوهشی

مقدمه

تحول در تشکیلات نظامی ایران، سرآغاز فصل نوینی در تاریخ جدید ایران محسوب می‌شود. این حرکت، شروع تلاش برای نوسازی در بسیاری از ساختارهای اجتماعی و حکومتی به شمار می‌آید. در دوره قاجاریه با توجه به اینکه ارتش ایران از لحاظ تشکیلات و سازمان‌دهی، آموزش نظامی و همچنین ابزارها و تجهیزات جنگی، فاقد معیارهای یک ارتش مدرن بود، نتوانست در طول جنگ‌های ایران و روسیه عملکرد مناسبی از خود نشان دهد؛ و حتی در حفظ و تأمین ثبات و امنیت داخلی نیز نارسایی‌های فراوانی داشت. تلاش‌های برخی از دولتمردان قاجاریه نظیر عباس میرزا و امیرکبیر هم در جهت نوسازی ارتش ایران نتوانست نتیجه لازم را به بار آورد. از جمله‌ی این تلاش‌ها بهره‌گیری از افسران خارجی برای آموزش نیروهای نظامی و تشکیل یک سپاه دائمی از

* نویسنده مسئول

لازم را به بار آورد. از جمله‌ی این تلاش‌ها بهره‌گیری از افسران خارجی برای آموزش نیروهای نظامی و تشکیل یک سپاه دائمی از طریق ایجاد مدارس نظامی بود که در راستای نوسازی ارتش صورت می‌گرفت. این آموزشگاه‌ها که به طور رسمی از زمان ولیعهدی ناصرالدین‌شاه و به همت بزرگانی چون امیرکبیر پایه‌گذاری شد با هدف تحولات گسترده در تعلیمات نظامی ایران ایجاد شده بود و افسران سپاه ایران می‌بایستی بر اساس روش‌های علمی روز، مشق و تعلیم نظامی ببینند. بهره‌گیری از هیئت‌های نظامی خارجی و ترجمه و تألیف متون آموزشی نظامی برای تحول نظام آموزشی، در ادامه با تأسیس آموزشگاه‌های نظامی چون قزاق‌خانه و ژاندارمری دنبال شد که هر کدام ساختار آموزشی و کارکردهای گوناگونی داشتند. در کنار آموزشگاه‌های نظامی، برخی مدارس هم با نام «مدارس نظام» ولی با کارکردی شبیه به آموزشگاه‌های نظامی چون مدرسه دارالفنون وجود داشتند که در رقابت با این مدرسه ایجاد شدند و استادان و معلمان آن، اغلب فارغ‌التحصیلان مدرسه دارالفنون بودند؛ مانند مدرسه نظام کامران میرزا، مدرسه نظام ظل‌السلطان و البته مدرسه نظام وزارت جنگ یا مشیرالدوله. هر کدام از این مدارس بنا به مقتضیات آن روز جامعه و برای مدت کوتاهی تأسیس شدند و به همین سبب اطلاعات اندکی از آنها باقیمانده است. این مدارس در دوره‌ی پهلوی اول و در آغاز روی کار آمدن رضاخان به عنوان سردار سپه، به شکل گسترده‌تری ادامه یافتند؛ و با ادغام شدن در آموزشگاه‌های قزاق‌خانه، ژاندارمری و مدرسه نظام مشیرالدوله، مدارس کل نظام را ایجاد کردند؛ که در سیر تکاملی خود به نام دبستان نظام، دبیرستان نظام و دانشگاه افسری ایفای نقش کردند. البته این مراکز از نظر ساختار آموزشی و کارکردهای نظامی خود به مراتب بهتر و سازماندهی شده‌تر از مدارس دوره قاجار بودند؛ و با بهره‌گیری از استادان و معلمین مجرب و تعلیم دیده اروپایی و ایرانی، دانش آموزان و دانشجویانی کارآموزده و با توانمندی‌های بالا را پرورش دادند. در حقیقت این مدارس نقش محوری در مدرن‌سازی آموزش‌های ابتدایی، عمومی و به‌ویژه آموزش نظامی و در نهایت تشکیل کادر نیروهای نظامی و انتظامی در دوره پهلوی داشت. بر این مبنا این مقاله با استفاده از روش تحلیل تاریخی به دنبال پاسخ به این پرسش است که مهم‌ترین دستاوردهای ایجاد مدارس نظام بر توسعه و تحول آموزش نظامی قاجاریه و پهلوی اول چه بود؟

روش پژوهش

این پژوهش از نوع پژوهش‌های تاریخی است که با توجه به ماهیت موضوع، در مرحله گردآوری اطلاعات با مراجعه به منابع تاریخی، تحقیقاتی و اسنادی به روش کتابخانه‌ای؛ و در مرحله تبیین به شیوه توصیفی - تحلیلی بر مبنای پرسش بیان شده، انجام شده است. روش تحلیل عمده‌تاً بر اساس استقرا استوار است؛ به این معنی که با مراجعه به داده‌ها، شامل متون، مدارک و شواهد باقیمانده تلاش می‌کند به یافته‌هایی دست یابد.

پیشینه پژوهش

در مورد آموزشگاه‌های نظامی و مدارس نظام در دوره قاجار و پهلوی اول، اطلاعات مختلفی از جمله خاطرات دانش‌آموختگانی که در این مدارس تحصیل کرده‌اند، وجود دارد؛ افسرانی چون سرتیپ میرحسین یکرنگیان، سپهبد حاجعلی رزم‌آرا، سپهبد جلال پژمان، سرهنگ جلیل بزرگمهر و دیگر افرادی که دوران تحصیل خود را در این مدارس سپری کرده‌اند. این افراد در آثار خود درباره مدارس نظام و ساختار آموزشی و نقاط قوت و ضعف آن اطلاعات ارزشمندی را به دست می‌دهند. نیلوفر کسری (بی‌تا) در مقاله‌ای با عنوان «مدارس نظامی در عصر قاجار و مشروطیت» و جواد یوسفی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان

«ساختار آموزش انتظامی و نظامی در حکومت رضاشاه» صرفاً به صورت توصیفی و مختصر به معرفی و سیر تاریخی این مدارس پرداخته‌اند. کناررودی و مرادی‌نیا (۱۴۰۱) در مقاله «آموزش نظامی در مدارس نظامی و غیرنظامی در دوره پهلوی اول» در معرفی مدارس نظامی، گذرا ساختار و محتوای دروس و شرایط ورودی مدارس نظامی را هم مورد بررسی قرار داده‌اند، اما عنوان این مدارس را به اشتباه مدارس نظامی نوشته‌اند. شفق محمدخانی (۱۳۸۹) در پژوهش خود با عنوان «تأثیر مدارس نظامی در تحول نظامی دوره قاجار»، ساختاری مدارس نظامی، ضرورت ایجاد آن و نتایج آن در تحول نظامی دوره قاجار را بررسی کرده است؛ اما نکته قابل توجه عدم تفکیک مدارس نظامی از مدارس نظامی در این پژوهش است که در پژوهش حاضر تلاش شده تا به صورت جداگانه این مدارس بررسی و مطالعه شود. این تحقیقات بیشتر به چگونگی روند و کم و کیف اصلاحات و اقدامات دولتمردان قاجار و پهلوی برای تغییر ساختار سنتی ارتش ایران و شکل‌گیری یک ارتش منضبط مدرن در این دوره پرداخته‌اند؛ اما کمتر در آنها به نقش و تأثیر مدارس نظامی به عنوان بخشی از فرایند اصلاحات نظامی-آموزشی توجه شده است. بنابراین تاکنون پژوهش مستقلی که نتایج ایجاد مدارس نظامی را در تحول نظامی دوران قاجار و پهلوی اول ترسیم نماید به رشته تحریر درنیامده است. این مقاله تلاش نموده با بهره‌گیری از داده‌های اسنادی-تاریخی، ضمن شناخت تحلیلی و عمیق موضوع، خلأ پژوهشی موجود درباره این مدارس را کمتر کند.

زمینه‌ها، ضرورت‌ها و روند نوسازی ارتش قاجاریه

ساختار و سازمان ارتش اوایل دوره قاجار، آمیخته‌ای از سربازان نظامی ایل‌ها و عشایر سراسر کشور بود (تکمیل همایون، ۱۳۷۶: ۱۳۰). این ارتش تا قبل از برخورد ایران با تمدن غرب از لحاظ روش‌ها، فنون و ابزار همان شیوه‌های سنتی و قدیمی را به کار می‌گرفت و از فنون و روش‌های جدید بی‌نصیب بود؛ و با اینکه در مقابله با سپاهیان سنتی کارآیی و قابلیت خود را نشان داده بود، در حقیقت ارتش ایران فاقد نوعی سازمان منظم و منسجم نظامی و قواعد سازمان‌دهی سپاه بر اساس استانداردهای دوران مدرن بود (شهبازی، ۱۳۹۹: ۶۳). بدین سبب در مقایسه با ارتش‌های منظم آن روز جهان، ارتش ایران وضع مطلوبی نداشت. تغییر در وضعیت جهانی از زمان صفویه به این سو، رشد علم و صنعت در اروپا و توسعه صنعت تسلیحات (به‌ویژه آتشباری)، گسترش ارتباطات دیپلماتیک، سفر هیئت‌ها و مقامات عالی‌رتبه کشوری و لشکری ایران به خارج و مهم‌تر از همه دو دوره جنگ بین ایران و روس که نقاط ضعف ارتش سنتی ایران را در برابر ارتش صنعتی و مدرن روسیه و سایر کشورها به طور ملموس نمایاند، دولت‌مردان و بعضی از صاحب‌منصبان نظامی ایران را به فکر تغییر و تحول و نوسازی ارتش انداخت (معطوفی، ۱۳۸۲: ۹۰۳).

سنگ بنای اندیشه اصلاحات و کوشش برای دگرگونی ساخت و بافت نظام سنتی و تبدیل آن به نظام جدید به صورت سازمان‌یافته در جریان جنگ‌های دوره اول ایران و روسیه (۱۲۲۸-۱۲۱۸ ه.ق) و توسط عباس میرزا گذاشته شد. عباس میرزا دریافت با قشون ایللیاتی نمی‌توان در برابر روسیه ایستادگی کرد. در چنین شرایطی نیاز اساسی به نیروی نظامی منظم دولتی را درک و شروع به ساماندهی ارتش و نوسازی آن کرد (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۰: ۱۶۵). او قوای نظامی را از زیر سلطه رؤسای ایلات خارج کرد و آنها را زیر نظر فرماندهی منصوب از طرف دولت قرار داد. دولت قاجار تلاش کرد قدرت‌های محلی را در برابر دولت مرکزی تضعیف و یک حاکمیت واحد در سراسر کشور را ایجاد کند (نفیسی، ۱۳۶۶: ۲۱۶). در واقع از دیگر عوامل ضرورت نوسازی، مقابله با حملات ایلات و خوانین و شورش‌های داخلی بود. بدنه و ستون فقرات قشون قاجاریه نیز همانند سایر ساختارها و نهادهای سنتی موجود جامعه، متشکل از سواره و پیاده‌نظام ایلی بود؛ از این رو «تعصبات و پیوندهای ایلی، قومی و قبیله‌ای» یکی از مهم‌ترین دلایل

و انگیزه‌هایی بود که باعث عضویت افراد در قوای نظامی می‌شد. افراد هر طایفه در دسته‌های جداگانه و تحت نظر فرماندهی از طایفه خود قرار می‌گرفتند. این امر موجبات ترجیح علائق قومی بر منافع کل سپاه شده و امکان وقوع شورش و طغیان‌های گروهی بیشتر را فراهم می‌کرد (سینایی، ۱۳۸۴: ۱۰۲).

مسئله‌ی عمده قوای ایران در دوره قاجار فقدان افسرانی تعلیم‌دیده و حرفه‌ای بود که بتوانند در عملیات نظامی وظایف خود را بر اساس روش‌های نوین نظامی انجام دهند. عمده افسران فاقد سواد حتی در حد خواندن و نوشتن بودند. سپاه ایران فاقد نهادی آموزشی بوده و آموزش و تعلیم و تربیت سربازان سامان نداشت و ارتقاء افراد بر اساس تمایلات شخصی فرماندهان بود (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۷۰: ۹۵). راه‌حل عباس میرزا برای مسائل مذکور، استخدام افسران خارجی و معمول کردن شکل ابتدایی از سربازی اجباری بر اساس الگوی امپراتوری عثمانی و مصر بود. این سیاست، مشخصه‌ی تلاش‌های اصلاحی ایرانیان برای مابقی سده را تعیین کرد (کرونین، ۱۳۹۴: ۱۰۲). در واقع هدف اصلی عباس میرزا برقراری اصول نظامی نوینی بود که در آن اولاً، ترتیب ایجاد قواعد منظم اروپایی را بدهد؛ و ثانیاً، حتی ارتش خود را از نظر ظاهری و شیوه آرایش نیز به سبک اروپائیان صورت دهد. بدین خاطر عباس میرزا لباس‌های متحدالشکل و به رنگ یکسان را برای نظامیان معمول کرد (مفتون دنلی، ۱۳۵۱: ۳۳).

در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم تلاش‌های پیاپی برای ایجاد یک ارتش پابرجا با مدل اروپایی و به کمک افسران اروپایی صورت گرفت. به طور کلی از زمان عباس میرزا تا مشروطیت افزون بر هیئت ژنرال گاردان^۱ و هیئت‌های انگلیسی، هیئت‌های نظامی متعددی، از کشورهای فرانسه، روسیه، اتریش، آلمان و ایتالیا به ایران سفر کردند. در این تلاش‌ها، ایران سه هیئت رسمی فرانسوی، سه هیئت انگلیسی، دو هیئت اتریشی، یک هیئت غیررسمی ایتالیایی، یک هیئت روسی به همراه دسته قزاق و یک هیئت سوئدی به همراه ژاندارمری دولتی را به خود دید. عباس میرزا نوسازی سپاه را ابتدا با مربیان روسی آغاز کرد؛ اما با شروع جنگ ایران و روس و توقف عملیات نوسازی سپاه، چند سال بعد مطابق معاهده فین‌کن‌اشتاین^۲، مربیان نظامی فرانسوی به ریاست ژنرال گاردان، تعلیم و تربیت پیاده‌نظام ایران را بر عهده گرفتند (نفیسی، ۱۳۶۶: ۹۶). با خیانت ناپلئون به ایران در جریان معاهده تیلسیت^۳ و خروج ژنرال گاردان و همراهانش از ایران، انگلستان هیئتی را به سرپرستی سرجان ملکم^۴ به ایران فرستاد. آن هیئت مستشارانی برای تعلیم سپاه ایران به همراه داشت که در میان آن افسرانی همچون لیندسه^۵ افسر توپخانه، کریستی^۶ افسر پیاده‌نظام و موتیت^۷ و پوتینجر^۸ بودند. آنان بلافاصله برای تعلیم دسته‌های سپاه به خدمت اردوی عباس میرزا فرستاده شدند (شمیم، ۱۳۷۹: ۷۸)؛ اما در نهایت تعلیمات افسران انگلیسی و فرانسوی نتیجه مطلوبی را که عباس میرزا خواهان آن بود، به بار نیاورد.

تأسیس آموزشگاه‌های نظامی و مدارس نظام

از دوران عباس میرزا با ترجمه کتاب‌های نظامی، افسران ایرانی با ارتش‌های مدرن و نحوه رزم و فنون نظامی جدید آشنا شدند و

^۱ -General Gardene

^۲ -Finkenstien

^۳ -Tilist

^۴ -Sir John Malkom

^۵ -Lindsay

^۶ -Christie

^۷ -Mantieth

^۸ -Pottinger

کم‌کم زمینه‌های تأسیس مدارس نظام در ایران فراهم شد. عباس میرزا اولین کسی بود که به فکر اعزام دانشجو از ایران به کشورهای اروپایی افتاد (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۰: ۱۰۱). او علاوه بر فرستادن دانشجو به اروپا، قصد تأسیس مؤسسه‌ای را داشت که در آن علوم و فنون غربی تدریس شود؛ اما فرصت چنین کاری را نیافت و بعدها این اندیشه در دوران وزارت امیرکبیر با تأسیس دارالفنون عملی شد (صدیق، ۱۳۸۸: ۵۶۷). میرزا تقی‌خان امیرنظام ملقب به امیرکبیر، ایده‌ی تأسیس مدرسه نظام و استخدام صاحب‌منصبان و استادان خارجی در این رشته را به مرحله عمل درآورد. به عبارت دیگر، شالوده‌ی اولین آموزشگاه نظامی که فنون سپاهی‌گری را به صورت کلاسیک تعلیم می‌داد، به همت او ریخته شد. مهمترین وظیفه‌ی دارالفنون - که به امر این صدراعظم آگاه و مصمم به شیوه‌ی پلی تکنیک پاریس طراحی و ساخته شد -، تربیت نظامیان و کارشناسان نظامی بود (آقامحمدی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۳۴).

به‌رغم شکست‌های نظامی قشون ایران و ناکامی برخی از دولتمردان و فعالان سیاسی در اصلاحات و نوسازی ارتش، تمایل پادشاهان قاجار به داشتن واحدهای نظامی نوین و ضرورت‌های داخلی و خارجی، باعث شد واحدهای نظامی جدیدی ایجاد شود؛ که بریگاد قزاق در زمره‌ی قدیمی‌ترین و قدرتمندترین آنها بود (سینائی، ۱۳۸۴: ۲۱۱-۲۱۲). از جمله اقدامات مهم بریگاد قزاق، تأسیس مدرسه نظامی قزاق‌خانه جهت تعلیم و تربیت فرزندان قزاق‌ها بود که می‌توان آن را قدمی دیگر در راه نوسازی سپاه دانست. ژاندارمری نیز پس از تأسیس به منظور تربیت افسر و درجه‌دار ژاندارم، ایجاد مدارس نظامی را در دستور کار خود قرار داد و مدارس نظامی از جمله مدرسه صاحب‌منصبان ژاندارمری را بدین هدف تأسیس کرد. همچنین مدارس نظام ظل‌السلطان در اصفهان و کامران میرزا در تهران نیز با اهداف سیاسی و در رقابت با مدرسه دارالفنون تأسیس شدند (علی‌بابایی، ۱۳۸۲: ۲۲۵).

مدارس نظام از عهد ناصری تا کودتای ۱۲۹۹ ه. ش

پس از دارالفنون و هم‌زمان با مدارس قزاق‌خانه و ژاندارمری که مدارسی نظامی جهت تربیت کادر نظامی مورد نیاز این نیروها بودند، مدرسه‌های نظامی دیگری تأسیس شدند که به نام «مدارس نظام» شهرت یافتند. مدارس نظام در حقیقت به‌واسطه‌ی رقابت‌های شاهزادگان و درباریان با مدرسه‌ی دارالفنون به عنوان نخستین مدرسه نظامی ایجاد شدند و هدف از تأسیس آنها تربیت نیروی نظامی کارآمد و آموزش دیده بود. در حقیقت بنیان‌گذاران این مدارس می‌خواستند هر کدام به نوبه‌ی خود سهمی در فرایند نوسازی آموزش نظامی داشته باشند؛ که البته بررسی ساختار این مدارس نشان می‌دهد که به جز مدرسه نظام مشیرالدوله، هیچ کدام به اندازه دارالفنون در تحول نظام آموزشی مؤثر نبوده و از نظر کارکرد قابل قیاس با دارالفنون نبودند.

۱. **مدرسه دارالفنون تبریز:** اولین مدرسه نظام به تقلید و سبک دارالفنون در سال ۱۲۷۵ ه. ق در تبریز دایر شد که جنبه نظامی آن غلبه داشت و عمده‌ی دروس آن بر پایه دروس دارالفنون بود. ریاست این مدرسه با محمدصادق خان بود و معلمین آن غالباً از دانش‌آموختگان دارالفنون بودند. این مدرسه چندان پیشرفتی نکرد و در حقیقت جزوی از دربار و دستگاه تجمل و لعیهد قاجار (مظفرالدین میرزا) در آذربایجان به حساب می‌آمد. درباره علل تعطیلی زود هنگام این مدرسه آمده است: «مکتب دولتی تبریز از قراری که اطلاع داریم هجده سال پیش از تأسیس رسمی دارالفنون تبریز در سال ۱۲۹۳ ق، در هنگام حکومت عزیز خان مرحوم، نخستین بار به ریاست محمدصادق خان امین نظام تأسیس شده، دو سال طول نکشید که متروک و عاطل گردید که عمده سبب این است که ما بسیاری از این‌گونه کارهای عمده را از روی قاعده و اسلوب بنا ننموده، بنای کار را بر آب می‌گذاریم. اگر مکتب مذکور به طور قاعده و نظم مؤسس گردیده، از آغاز تأسیس تاکنون برقرار بودی، چه ترقیات فوق‌العاده از انتظام او و چه نتایج عمده نافع به حال ملت و دولت از تحصیل اولاد وطن به وطن نماید نمی‌شد؛ اما حیف صد حیف از تأسیس این گونه مواد نافع به جای اینکه

شأن دولت و ملت را در انظار خارجه وقعی حاصل بشود از عدم مواظبت، موجب ننگ و انفعال می‌گردد» (سرداری نیا، ۱۳۸۲: ۱۹).

۲. مدرسه نظام ظل‌السلطان: مدرسه نظام ظل‌السلطان در سال ۱۲۹۸ ه.ق توسط ظل‌السلطان، فرزند دیگر ناصرالدین‌شاه در اصفهان ایجاد شد که در آن زیر نظر مربیان ایرانی و غیر ایرانی به دانش‌آموزان تعلیم داده می‌شد. فکر تأسیس مدرسه‌ای به سبک جدید زمانی در ذهن این شاهزاده جاه‌طلب پدیدار شد که برای انجام پاره‌ای امور حکومتی به پایتخت رفته بود و در مدت اقامت در تهران از مدرسه دارالفنون بازدید کرد. ظل‌السلطان پس از بازدید از مدرسه آن چنان تحت تأثیر قرار گرفت که بعد از چند روز در نامه‌ای به شاه تقاضای موافقت تأسیس مدرسه‌ای به شیوه دارالفنون را نمود. شاه پذیرفت و از همان روز عمارت هشت‌بهشت برای راه‌اندازی مدرسه «همایونی» آماده شد. مراحل بازسازی عمارت هشت‌بهشت و آماده کردن آن برای تبدیل شدن به مدرسه به مدیر روزنامه فرهنگ اصفهان یعنی میرزا تقی‌خان حکیم‌باشی سپرده شد. او از دانشمندان زمان خود بود و از اتفاق اینکه در مدرسه دارالفنون تهران درس خوانده و آشنایی نسبی با ویژگی‌های یک مدرسه داشت (فرهنگ اصفهان، ش ۸۹، ۹ ربیع‌الثانی ۱۲۹۸). گزارش جشن افتتاح مدرسه بدین قرار است: «مدرسه مبارکه همایونی روز دوشنبه ۱۵ شهر رجب، به مبارکی و میمنت مفتوح و تعلیم و تعلم اطفال عامه اهالی شروع شد. روز مزبور سه ساعت به غروب مانده [ظل‌السلطان] محض میمنت، جناب مستطاب حجه‌الاسلام حاجی شیخ محمدباقر مجتهد و جمعی دیگر از علمای عظام کثرالله امثالهم را برای افتتاح مدرسه همایونی دعوت نموده، متعلمین را نیز در باغ چهل‌ستون حاضر کردند. پس از ادای مراسم تشریفات افتتاح مدرسه به منزل معاودت فرمودند. حسب‌الامر والا، صارم‌الدوله به ریاست مطلقه کلیه مدرسه برقرار و مقرب‌الخاقان علی‌خان به ریاست متعلمین و معلمی علوم ریاضیه و انتظام مدرسه معین گردید و مقرر شد که پنجاه نفر شاگرد در هذه السنه برای تعلیم حاضر کرده و پس از آن تا صد نفر قبول نمایند. معلم مخصوصی نیز برای تکمیل زبان فارسی و عربی معین گردید که هم زبان معمولی را به آن‌ها بیاموزاند و هم در تعلیم مسائل و اصول دینی مواظبت کند» (فرهنگ اصفهان، ش ۱۰۳، ۲۰ رجب ۱۲۹۸). حدود سه سال مدرسه مذکور برقرار بود و چند دوره دانش‌آموز را به تعلیم و تربیت واداشت اما به دلایلی نا روشن درب مدرسه بسته شد.

۳. مدرسه نظام کامران میرزا: کامران میرزا نایب‌السلطنه فرزند دوم ناصرالدین‌شاه، وزارت جنگ ایران را عهده‌دار بود. این شخص که دل خوشی از دانش‌آموختگان دارالفنون نداشت و آنان را افسران کارکشته و مطلعی نمی‌دانست، با کسب اجازه از شاه مدرسه نظام دیگری در یکی از ساختمان‌های نظامی (محل فعلی دادگستری) در سال ۱۳۰۲ ه.ق تأسیس کرد که برنامه آن شبیه به دارالفنون بود (یکرنگیان، ۱۳۸۴: ۲۱۸)؛ اما هرگز قابل مقایسه با دارالفنون نبود (جلالی، ۱۳۹۰: ۹۲). استادانی که برای این آموزشگاه تعیین شد به استثنای پروشن^۹ اتریشی، بقیه را افسرانی ایرانی تشکیل می‌دادند (یکرنگیان، ۱۳۸۴: ۲۱۸). بقیه استادان از جمله کریم‌خان قوانلو (معاون نظام) استاد پیاده‌نظام و سرهنگ میرزا محمد رزم‌آرا استاد توپخانه، از افسران آموزش دیده دارالفنون بودند. فرماندهی آموزشگاه بر عهده میرزا کریم‌خان سردار فیروز بود و چندی مهدی قلی‌خان مخبرالسلطنه مدیریت آن را بر عهده گرفت (ستاد بزرگ ارتشتاران، ۱۳۳۷: ۸۱). این مدرسه تا اوایل مشروطیت دوام آورد و در اواخر به نام مدرسه «کادت»^{۱۰} نامیده شد که سرهنگ ابوالحسن خان گران‌مایه، مدیر و سید شاکر خان، ناظم آن بودند. سرلشکر عزیزالله ضرغامی، سرتیپ حسینعلی رزم‌آرا

^۹ -Proushen

^{۱۰} -Cadet

و کلنل محمدتقی خان پسیان از دانشجویان دوره ششم این آموزشگاه بودند (یکرنگیان، ۱۳۸۴: ۲۱۹).

خاطرات مخیرالسلطنه هدایت منبع مهمی درباره این مدرسه است. هدایت قبول مدیریت مدرسه را به درخواست سپهسالار آقاوجیه برادر عین‌الدوله بیان می‌کند و می‌نویسد: «من کتابچه‌ای در تخمین مخارج مدرسه برای یکصد نفر شاگرد با لباس و ناهار تنظیم کردم، سالیانه ده هزار و سیصد و شصت و یک تومان برآورد کردم.» برآورد هدایت برای مخارج یکصد شاگرد و ۱۰ معلم، ناظم، آجودان، کتابدار، سرایدار، اسلحه‌دار با لباس تابستانی و زمستانی و ناهار بوده است (هدایت، ۱۳۸۵: ۱۳۸). به جز یک معلم آلمانی به نام میسوت، بقیه معلم‌ها ایرانی بودند. به نظر می‌رسد در مدرسه انضباط نظامی محکمی برقرار بوده و سخت‌گیری در اجرای آنها وجود داشته است. به طوری که حتی شاهزادگان هم از این امر مستثنی نبودند. «شاه [مظفرالدین شاه] امر کردند ناصرالدین میرزا نصرت‌السلطنه، اعتضادالسلطنه، اعزازالسلطنه و سه نفر دیگر از اولاد نایب‌السلطنه کامران‌میرزا به مدرسه آمدند، در سلام اول شاهزادگان را که هنوز نمی‌توانستند قدم بگیرند جلو دسته قرار دادم، پس از سلام مرا خواستند فرمودند چرا شاهزادگان را مقدم دشتی باید مثل افراد [دیگر] با آنها سلوک کنی.» هدایت اظهار می‌دارد که حتی فرزندان اشرافی که نسبت به قوانین مدرسه مراعات لازم نداشتند، از مدرسه اخراج می‌شدند (همان: ۱۳۹).

نظر هدایت بر آن است که مدرسه در میان مدارس نظامی و غیرنظامی، جایگاه مناسبی به دست آورده و شاگردان آن مدرسه به افسران قابل‌تری در کشور تبدیل شده بودند. هدایت می‌نویسد کلاه دانش‌آموزان مدرسه نظام بود که بعدها به عنوان کلاه پهلوی توسط رضاشاه به مردم به عنوان کلاه رسمی تحمیل شد. «مدرسه رونق فوق‌العاده گرفت، از سفارتخانه‌ها آمدند و عکس برداشتند. صاحب‌منصبان اول ژاندارمری غالب شاگرد آن مدرسه هستند، کلاه پهلوی همان کلاهی است که شاگردان مدرسه بسر می‌گذارند. مدرسه نظام نسبت به سابق سه برابر بودجه دارد، سه برابر سابق می‌شود.» از جمله دانش‌آموختگان این مدرسه سرهنگ فضل‌الله خان آق‌اولی بوده که وارد ژاندارمری شد که در اعتراض به قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس خودکشی کرد (همان: ۱۳۹).

۴. مدرسه نظام مشیرالدوله / وزارت جنگ: میرزا حسن خان مشیرالدوله (۱۲۵۰-۱۳۱۴ ه.ش) از تحصیل کرده‌های مدرسه نظامی مسکو و دانش‌آموخته‌ی رشته حقوق از دانشگاه مسکو بود. وی در زمان تصدی وزارت جنگ تصمیم گرفت نمایی از مدرسه نظام «سن سیر»^{۱۱} فرانسه را در ایران منعکس کند و لذا تصمیم به تأسیس مدرسه نظام گرفت. هدف از تأسیس این مدرسه، تربیت افسران مورد نیاز بریگاد مرکزی و الگوی آن دانشکده سن سیر فرانسه بود. آزمون ورودی آن دشوار و استادان آن افسران ایرانی دانش‌آموخته‌ی مدارس نظامی اروپا بودند (سینائی، ۱۳۸۴: ۲۴۰). از شرایط ورود به این مدرسه دارا بودن کارنامه قبولی پنجم متوسطه یا دیپلم بود. در صورتی که سایر مدارس نظامی، پایین‌مدتر تحصیلی بالا نبودند (یکرنگیان، ۱۳۸۴: ۲۲۵). سپهبد حاجعلی رزم‌آرا از دانش‌آموختگان مدرسه نظام مشیرالدوله در کتاب خاطرات خود می‌نویسد: «بایستی اذعان کرد این مدرسه بهترین مدرسه نظامی بود که تشکیل گردید زیرا بهترین معلمین برای آن تعیین و بهترین شاگردان هم در آن شرکت داشتند» (رزم‌آرا، ۱۳۸۲: ۲۴). پس از اینکه شرکت‌کنندگان در آزمون ورودی پذیرفته می‌شدند، حسن اخلاق و حسن شهرت خانواده آنان از سوی نظمی عمیقاً بررسی می‌شد. به همین دلیل هر سال از بین صدها داوطلب فقط سی یا چهل نفر پذیرفته می‌شدند. این مدرسه دارای سه دانش‌پایه بود و در سال ۱۲۹۸ ه.ش یک دانش‌پایه تهیه نیز به آن افزوده شد. هر دانشجو در ماه یک تومان آن هم با تأخیر کمک هزینه دریافت می‌کرد. پوشاک آنان لباس سربازی ساده بود که ظاهر چندان مناسبی هم نداشت (یکرنگیان، ۱۳۸۴: ۲۲۶).

مدرسه نظام وزارت جنگ از سه کلاس تشکیل می‌شد که برنامه آموزشی و درس‌های آن‌ها با هم تفاوت‌هایی داشت و

^{۱۱} -Saint Cyr

دانش‌آموختگان آن با درجه نایب دومی وارد خدمت قشون به خصوص تیپ مرکزی می‌شدند. در کلاس تهیه، معلومات کلاس ششم متوسطه به‌ویژه درس ریاضی تکمیل می‌شد و آموزش‌های مقدماتی نظامی مثل تاریخ نظامی، جغرافیای نظامی، خدمات صحرائی، تاکتیک، سنگرسازی و سلاح‌شناسی ارائه می‌شد. شاگردان این کلاس که برای ورود به دو کلاس نظامی دیگر آماده می‌شدند، در آموزش‌های صف جمع، خدمات صحرائی عملی و تیراندازی، با دو کلاس دیگر شرکت می‌کردند. در کلاس اول و دوم نظامی فقط آموزش‌های نظامی داده می‌شد و برنامه این کلاس‌ها از روی برنامه مدرسه نظام سن سیر فرانسه اقتباس شده بود؛ و درس‌های آن عبارت بودند از: تاکتیک عمومی کامل و استراتژی، تاکتیک رزم‌های پیاده، رزم سواره، رزم توپخانه، خدمات صحرائی، سنگرسازی، استحکامات دائمی و نیمه دائمی، تکمیل تاریخ و جغرافیای نظامی ایران و جهان، نقشه‌کشی عملی و سلاح‌شناسی و دیگر مسائل نظامی مورد لزوم. همچنین در تمام مدت سال روزهای سه‌شنبه از بامداد تا غروب در بیابان‌ها و تپه‌ها به درس‌های عملی در زمینه آموزش‌های رزمی می‌پرداختند و آنچه را که در کلاس به صورت تئوری و حضوری آموخته بودند در صحرا به‌کار می‌بردند و تمرین می‌کردند (پژمان، ۱۳۸۶: ۳۸-۳۹). بایستی اذعان کرد که مدرسه نظام مشیرالدوله در نوع و زمان تشکیل، با فداکاری کاملی تشکیل و مشغول به کار شد و با آنکه وسایل و لوازم محدودی در اختیار این مدرسه بود، توانست یک عده افسران فهمیده، مطلع و علاقه‌مند را تربیت و تسلیم ارتش کند؛ به طوری که شاید نظیر این افسران در دوره‌های قبل کمتر دیده شده بود. بنا به نظر برخی از شاگردان این مدرسه، افسران مدارس ژاندارمی و قزاق‌خانه با وجود داشتن امکانات بیشتر، از نظر آموزش و کارآمدی به پای افسران دانشکده مشیرالدوله نمی‌رسیدند (رزم‌آرا، ۱۳۸۲: ۲۵-۲۶). مدرسه نظام مشیرالدوله به تربیت افسران ادامه داد تا این که در دوره سوم و چهارم، این دانشکده پس از اختلاط با مدرسه قزاق‌خانه، مدارس نظام را تشکیل دادند (علی بابایی، ۱۳۸۲: ۲۲۴).

۴. بررسی ساختاری مدارس نظام در دوره پهلوی اول از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ ه.ش

۱. مدرسه نظام کل قشون

با به قدرت رسیدن رضاشاه، قدرت در دست کسی متمرکز شد که خاستگاه و تکیه‌گاهش ارتش بود. تمرکز قدرت، لزوم برقراری نظم و امنیت، انجام اصلاحات و ایجاد نظام دیوانی مدرن در عصر رضاشاه همگی نیازمند استقرار ارتش جدید بودند. با توجه به ریشه نظامی کودتای ۱۲۹۹ ه.ش، کوشش‌های جدید در زمینه‌ی نوسازی ارتش قابل انتظار بود. رضاخان پس از کودتا به ایجاد تقویت ارتش ملی به عنوان ستون محکم قدرت خود پرداخت تا ماهیت نظامی حکومت خود را آشکار سازد. بر این اساس، رضاشاه موانع دست‌یابی به ایجاد سلطنت را با توسعه‌ی ابزارهای اقتدار خود هموار ساخت؛ و از همان ابتدا برای تشکیل یک دولت مرکزی مقتدر بر ضرورت اصلاحات مالی، اداری و نظامی، تأسیس مدارس، پیشرفت تجارت از راه احداث جاده‌ها و راه‌آهن و نیز الغای کاپیتولاسیون تأکید کرد. ماهیت نظامی حکومت رضاشاه، ماهیت برنامه‌ی نوسازانه‌ی وی را نیز مشخص کرد. چنانچه بار دیگر نخستین پایگاه جهت آغاز اصلاحات وی، ایجاد یک ارتش ملی واحد و مدرن بود (خلیلی‌خو، ۱۳۷۳: ۱۳۰). با توجه به سیاست‌های نظامی‌گرایانه رضاشاه و جایگاه ارتش در دولت وی، مدارس نظامی برای تحقق این هدف خیلی اهمیت داشتند. برای تشکیل افسران جدید و با انضباط، انجام اصلاحاتی در آموزش و تمرین‌های نظامی امری ضروری و اساسی بود. صدور حکم عمومی قشونی نمره یک توسط رضاخان نقطه عطف بسیار مهمی در تاریخ شکل‌گیری ارتش مدرن در ایران بود. این حکم که کلیه

نیروهای نظامی و انتظامی موجود در کشور را در یکدیگر ادغام می‌کرد، به سلطه‌ی خارجیان بر این نیروها نیز پایان بخشید و مدیریت متمرکز بر نیروها را توسط دولت پدید آورد (قنبری، ۱۳۸۵: ۲۱۶-۲۱۷). رضاخان سیستم آموزش نظامی در داخل ایران را از نو سازمان‌دهی کرد؛ بدین ترتیب که مدرسه نظام و دانشکده افسری را بر اساس پیاده‌نظام مدرن اروپایی تأسیس کرد و طرحی برای اعزام افسران ایرانی به خارج، جهت تکمیل تحصیلات نظامی تهیه کرد (کرونین، ۱۳۸۳: ۶۶). مقارن با این تحولات، مدارس گوناگون نظامی مانند مدرسه دیویزیون (مخصوص دیویزیون قزاق)، مدرسه نظام مشیرالدوله (برای بریگاد مرکزی)، مدارس کاندیدا افسیه و سوزافیسیه (برای ژاندارمری و کلاس بیطاری) که در زمان قاجاریه تشکیل شده بودند، در هم آمیخته شد و برای اولین بار مؤسسه‌ای به نام مدرسه نظام کل قشون در بهمن ۱۳۰۰ ه.ش ایجاد شد (چمنکار، ۱۳۹۷: ۹۸؛ سینائی، ۱۳۸۴: ۲۴۱). در سوم خرداد ۱۳۰۲ ه.ش، سرتیپ محمد نخجوان که معاون ارکان کل حرب قشون بود، به ریاست مدرسه کل نظام منصوب شد. در زمان نخجوان اقداماتی در مدرسه نظام به وقوع پیوست که به این قرار است: ۱- رتبه خروجی دانشجویان که سابقاً اسپیرانی (استواری) بود به نایب دومی تغییر داد؛ ۲- تأسیس مدارس ابتدایی شامل کلاس‌های اول، دوم، سوم، چهارم، پنجم و ششم؛ ۳- تأسیس مدرسه متوسطه شامل کلاس‌های هفتم، هشتم، نهم و دهم (که بعدها مدرسه متوسطه شش‌ساله و دبیرستان نظام نامیده شد)؛ ۴- تأسیس مدارس نظامی با دو کلاس یازده و دوازده؛ ۵- تأسیس مدرسه صاحب‌منصبی؛ ۶- از دوره سوم مدارس نظامی، دانشجویانی که از کلاس اول مدرسه صاحب‌منصبی به کلاس دوم می‌آمدند، رسته آنها تعیین می‌شد؛ و هر دانشجو در رسته تخصصی خود (پیاده، سوار، توپخانه و مهندسی) تحصیل می‌کرد (یکرنگیان، ۱۳۸۴: ۲۳۶). در این مدارس در نوبت صبح آموزش نظری و عصرها آموزش عملی نظامی داده می‌شد. در سال ۱۳۰۵ ه.ش مدارس نظام به مدرسه ابتدایی نظام و مدرسه متوسطه نظام تقسیم و با برنامه مدارس متوسطه غیرنظامی تطبیق داده شد؛ و دوره‌ی ابتدایی آن به ۶ سال و متوسطه به سه سال افزایش یافت. در سال ۱۳۱۴ ه.ش نام مدارس به دبیرستان نظام، دبیرستان نظام و دانشکده‌ی افسری تغییر یافت و دانش‌آموختگان دبیرستان نظام با طی ۲ سال دانشکده‌ی افسری با درجه ستوان دومی وارد خدمت رسمی ارتش می‌شدند (بزرگمهر، ۱۳۷۷: ۲۰۴-۲۰۷).

یکی از مشکلات اصلی مدرسه جدید، ناهماهنگی برنامه‌های متفاوت نظامی و سطح نازل تحصیلات در مدارس قدیم بود. در مدرسه نظامی قزاق که در سال ۱۲۸۸ ه.ش تأسیس شده بود، دروس به زبان روسی تدریس می‌شد؛ و برنامه آن بیشتر شامل دروس عملی و آمادگی جسمانی بود. مدرسه ژاندارمری که توسط افسران سوئدی در سال ۱۲۹۱ ه.ش تأسیس شده بود، از نظر محتوی و ارائه آموزش‌های جدید نظامی در موقعیت بهتری قرار داشت (سینائی، ۱۳۸۴: ۲۴۰). مدارس نظام در مقایسه با مدارس مذکور توانستند در حد توانایی خود به پیشرفت معقولی نائل شوند و دانشجویان مدرسه صاحب‌منصبان پس از فارغ‌التحصیل شدن، افرادی باهوش، علاقه‌مند و از لحاظ بدنی ورزیده بودند و به مانور نظامی و تاکتیک‌های اولیه‌ای که از کتب درسی آموخته بودند کاملاً آگاه بودند (کرونین، ۱۳۷۷: ۲۳۹).

ورود به مدرسه نظامی در سه قسمت پیاده‌نظام، سواره‌نظام و توپخانه صورت می‌گرفت. از آنجا که صفوف پیاده عده بیشتری را از دیگر صفوف می‌طلبید، داشتن معدل بالا در آن ملاک انتخاب نبود. صنف سوار را اکثراً فرزندان افسران ارشد که سابقه‌ی سواری داشتند، تشکیل می‌دادند. اما صنف توپخانه از دانشجویان با معدل بالا در ریاضیات بود. برای توسعه‌ی ارتش و تربیت افسر، اقدامات جدیدی انجام شد که بر اساس آن با آگاهی دادن در روزنامه اطلاعات، دانش‌آموزان فارغ‌التحصیل سال سوم متوسطه با امتحان ورودی آسان در همان سال سوم به دانشکده افسری جذب شده و پس از دو سال به درجه ستوان دومی می‌رسیدند (بزرگمهر، ۱۳۷۷: ۲۰۴-۲۰۷). طبق دستورالعمل وزارت معارف آموزش‌های علمی و عملی نظامی، مانند آموزش غیرنظامی از اول مهرماه

هر سال و زیر نظر مربیان تربیت بدنی و افسران معرفی شده از سوی ستاد ارتش انجام می‌شد (ساکما، ۰۶۷۴۲-۲۹۷).

در آغاز تشکیل مدارس کل نظام، دروس عمده‌ی آموزش عبارت بود از:

تاکتیک و خدمات صحرائی؛ ۲- مشق‌های نظامی؛ ۳- ریاضیات؛ ۴- زبان خارجه (فرانسه و انگلیسی).

این برنامه‌ها، از برنامه‌ی مدرسه نظامی سن سیر فرانسه اقتباس می‌شد. در سال ۱۳۱۲ ه.ش در برنامه‌های آموزشی مدرسه تجدیدنظر شد و مطالب آموزشی به شرح زیر در دو قسمت عمومی و تخصصی برای دانشجویان تعیین شد:

الف) دروس عمومی: ۱- اصول کلی عمومی نظامی؛ ۲- قوای روحی؛ ۳- تشکیلات و قوانین؛ ۴- نقشه‌برداری و ترسیم نظامی؛ ۵- زبان خارجه؛ ۶- جغرافیای نظامی؛ ۷- تاریخ نظامی؛ ۸- بهداشت نظامی؛ ۹- مهندسی.

ب) دروس تخصصی که برای هر رشته متفاوت بود و در دو مرحله‌ی علمی و عملی ارائه می‌شد (نوروزی فرسنگی، ۱۳۸۶:

۲۱۱).

محل مدرسه نظام در دو ساختمان بزرگ مستقر بود؛ ساختمان نخست، در خیابان اکباتان به نام مسعودیه بود که تعلق به ورثه ظل السلطان داشت و چون بین وراث اختلاف وجود داشت آن را به وزیر جنگ هدیه کردند و وزیر جنگ آن را به مدرسه صاحب‌منصبی اختصاص داد. ساختمان دیگر، عمارت کامرانیه متعلق به کامران میرزا بود که در گرو یکی از تجار قرار داشت. وزارت جنگ با پرداخت بدهی، ساختمان را نیز تصرف کرد و بعدها زمین‌های اطراف آن را نیز خریداری و به محوطه بزرگی به مساحت بالغ بر صد و چهل هزار متر مربع برای مرکز آموزش مدرسه نظام تبدیل کرد (عاقلی، ۱۳۸۶: ۱۲۳).

در سرشماری از مدارس کشور در سال ۱۳۰۴ ه.ش، مدارس نظام جزو مدارس تابعه وزارت جنگ محسوب شده که تعداد دانش‌آموزان ابتدایی ۲۷۰ نفر با ۱۳ معلم و تعداد دانش‌آموزان متوسطه ۲۱۰ نفر با ۲۳ معلم بوده است؛ دوره ابتدایی ۶ ساله و متوسطه ۳ ساله بوده است. با احتساب دانش‌آموزان صاحب‌منصبی و بیطاری جمعاً ۶۱۶ دانش‌آموز و ۹۴ معلم داشته و کل دانش‌آموزان در این سال ۱۱۳۱۳ نفر بوده است (تعلیم و تربیت، ۱۳۰۴: ۷۸).

۲. مدرسه ابتدایی نظام (دبستان نظام)

دوره ابتدایی شش کلاس داشت و دروس وزارت فرهنگ در آن تدریس می‌شد (عاقلی، ۱۳۸۶: ۱۲۳). رضاشاه به هر یک از رجال و سیاست‌مداران و نظامیان عالی‌رتبه و حتی متوسط کشور می‌رسید، دستور می‌داد پسران خود را به دبستان نظام بگذارند (معتضد، ۱۳۷۷: ۲۶۴-۲۶۵). دانش‌آموزان این مدرسه لباس یکدست نظامی می‌پوشیدند و برنامه‌ای بسیار سنگین داشتند. تمرین‌های سربازی نیز بخش مهمی از برنامه درسی دبستان نظام را تشکیل می‌داد (سنگوی، ۱۳۵۶: ۳۱). غلامحسین بیگدلی که دوران تحصیل خود را در دبستان، دبیرستان و دانشکده نظام گذرانده، در کتاب خاطرات خود از دوران تحصیل در دبستان نظام می‌نویسد: «در آن زمان، ورود به دبستان نظام که دوره آمادگی برای افسر شدن و پایه ورود به ارتش بود، شرایط خاصی را طلب می‌کرد. از خانواده‌های عادی و متوسط کسی را نمی‌پذیرفتند و به پیشینه و ایل و تبار دانش‌آموزان، افسران مربی، معلمان و حتی کارکنان و خدمتکاران دبستان، توجهی ویژه مبذول می‌داشتند؛ زیرا علاوه بر فرزندان اعیان و اشراف، فرماندهان ارتش، سران و رجال کشور، فرزندان خود رضاشاه نیز در این دبستان تحصیل می‌کردند» (بیگدلی، ۱۳۸۸: ۲۱-۲۲).

برنامه مدرسه ابتدایی نظام، تفاوت خاصی با سایر مدرسه‌های مشابه نداشت، فقط هر روز پس از خاتمه کلاس‌ها در ساعت

چهار بعد از ظهر، صف‌ها آراسته می‌شد و برای تمرین رزمی به میدان مشق حرکت داده می‌شدند. در میدان مشق، گروهان به دسته‌ها تقسیم می‌شدند و به آموزش صف جمع انفرادی و جمعی، حرکت به قدم آهسته با طبل، حرکات گروهانی برای یاد گرفتن صورت‌بندی‌ها و تغییرات موزون آنها و مشق‌هایی با پرچم نظیر جنگ سرنیزه پرداخته می‌شد. پس از دو سه ماه نخستین، آزمایش برای دادن سردوشی به عمل می‌آمد که برای دانش‌آموزان موضوعی بسیار مهم و موجب افتخار بود (معتضد، ۱۳۸۳: ۱۲۲-۱۲۳).

دبستان نظام برای تکمیل کلاس‌های ۴ و ۵ و ۶ محصلینی با شروط زیر می‌پذیرفت: «۱. تابعیت ایران ۲. سن کمتر از ۱۰ و بیشتر ۱۵ نباشد ۳. صحت مزاج ۴. تصدیق مدرسه سابق ۵. داشتن تصدیق آبله‌کوبی و ورقه هویت ۶. درخواست ورود به امضا پدر و یا ولی مسئول شاگرد ۷. از کلیه داوطلبان امتحان ورودی به عمل می‌آید. ۸. مخارج به عهده ولی بوده فقط از تأدیبه شهریه معاف می‌باشد» (اطلاعات ۱۳۱۴، ۲۵۳۷: ۷).

امتحانات دبستان نظام به دو شیوه کتبی و شفاهی، توسط اداره تعلیمات و امتحانات وزارت معارف و اوقاف و هیئت ممتحنه و با نظارت نمایندگان ستاد ارتش انجام می‌شد. نحوه ارزشیابی از دروس فارسی، تاریخ ایران، جغرافیا، حساب و هندسه، شرعیات، قرآن و ورزش به صورت شفاهی؛ و دروس دیکته، انشاء، مشق خط برای پسران و خیاطی برای دختران به صورت کتبی و درس حساب و هندسه به صورت کتبی و شفاهی انجام می‌شد. در درس دیکته دانش‌آموز باید یک متن نوین و دشوار را که در سالن امتحان خوانده می‌شد، به درستی بنگارد. در درس انشاء یک موضوع مثل پیشرفت و مراقبت خود در دوران تحصیل یا درباره یک مصرع شعر از بیت به دانش‌آموزان داده می‌شد. در درس حساب نیز باید سه مسئله پیچیده را حل می‌کردند (ساکما، ۱۳۰۹/۱۳۱۰: ۱۳۰۹-۰۱۶۳۲۵). دانش‌آموزانی که در امتحانات کتبی موفق می‌شدند، باید در بقیه درس‌ها آزمون شفاهی می‌دادند. برای دانش‌آموزانی که در امتحانات نهایی شش‌ساله ابتدایی نمره قبولی گرفته بودند، گواهی‌نامه‌ی پایان دوره شش‌ساله ابتدایی از طرف دبستان نظام صادر می‌شد؛ که جهت تأیید و ثبت در دفتر و تمبر، به اداره تعلیمات مرکز و امتحانات ارسال می‌شد و داوطلبانی که قصد ورود به دبیرستان نظام را داشتند، باید این گواهی‌نامه را دریافت می‌کردند (ساکما، ۱۳۱۷: ۲۹۷-۰۱۸۳۱۲).

۳. مدرسه متوسطه نظام (دبیرستان نظام)

از جمله اقدامات رضاشاه برای توسعه قشون تأسیس دبیرستان‌های نظام در مرکز بعضی از ایالات و ولایات بود. به طور مثال در کرمانشاه در سال ۱۳۱۳ ه.ش، دبیرستان نظام تأسیس شد که در ابتدا ۲۲ دانش‌آموز داشت اما با اضافه شدن ۱۷ نفر از ایالت همدان تعداد محصلین به ۳۹ نفر رسید (زندیه و یوسفی، ۱۳۹۵: ۱۶). در همین سال، دبیرستان نظام در تبریز، مشهد و شیراز نیز تأسیس شد (بزرگمهر، ۱۳۷۷: ۱۷۱). به نظر می‌رسد به منظور افزایش استقبال محصلین از مدارس نظام تأکید می‌شد تا در تمام کنفرانس‌ها و جشن‌ها صحبت‌ها و اقداماتی انجام شود تا داوطلبان ورود به دبیرستان‌های نظام زیاد شوند (ساکما، ۱۳۱۵: ۱۰۰۱-۲۹۷). طبق دستور وزارت جنگ، دانش‌آموزان مدارس متوسطه و ابتدایی نظام، حسب قوانین و مقررات، مادامی که از این مدارس اخراج نشده‌اند، حق پذیرش در مدارس دولتی و ملی را بدون اجازه کتبی نداشتند (ساکما، ۱۳۱۰: ۰۰۴۸۶۴ - ۲۹۷). دوره متوسطه این مدارس چهار سال بود و دانش‌آموزان باید دوره شش‌ساله متوسطه را ظرف مدت چهار سال تحصیل نمایند و پس از قبولی در امتحانات، داوطلب ورود به دوره تخصصی شوند. در سال ۱۳۰۶ ه.ش، دوره متوسطه نظام از ۴ سال به ۶ سال افزایش یافت و علاوه بر فارغ‌التحصیلان دوره متوسطه نظام، فارغ‌التحصیلان دیپلمه مدارس ایران نیز می‌توانستند وارد مدرسه صاحب‌منصبی شوند (عاقلی، ۱۳۸۶: ۱۲۳).

از آن جایی که مدارس نظام تابع وزارت جنگ بود، مقررات جذب و پذیرش دانش‌آموز در مدارس نظام، توسط وزارت جنگ انجام می‌شد. وزارت جنگ ورود به دبیرستان نظام تهران را با شرایط زیر قبول می‌کرد: الف. تابعیت ایران، صحت مزاج، تناسب اندام؛ ب. سن برای سال اول کمتر از ۱۲ و بیشتر از ۱۵، سال چهارم کمتر از ۱۵ و بیشتر از ۱۹، سال دوم بیشتر از ۱۶، سال سوم بیشتر از ۱۷، سال پنجم بیشتر از ۲۰ و برای سال ششم بیشتر از ۲۱ سال نباشد (اطلاعات ۱۳۰۷، ۵۹۹: ۴).

بر اساس برنامه ابلاغی وزارت معارف برنامه هفتگی دروس دبیرستان نظام در سال ۱۳۱۳ ه.ش به شرح زیر بود: فارسی ۲ ساعت، جبر و مثلثات ۵ ساعت، حساب استدلالی ۱ ساعت، فیزیک ۳ ساعت، شیمی ۳ ساعت، رسم و نقاشی ۲ ساعت، زبان خارجه (عمدتاً فرانسه) ۸ ساعت، تاریخ ۲ ساعت، جغرافیا ۱ ساعت، ریاضیات (حساب) ۱ ساعت، هندسه ۲ ساعت، هندسه ترسیمی ۳ ساعت، جبر و مثلثات (۵ ساعت)، ورزش ۶ ساعت، تعلیمات نظامی ۶ ساعت، لابراتوار (آزمایشگاه) ۲ ساعت، مطالعه آزاد ۵ ساعت که جمع کل آن ۵۱ ساعت بود (تعلیم و تربیت، ۱۳۱۳: ۴۹۸؛ ساکما: ۳۸۸۷۳/۳۱۰). شیوه، زمان و برنامه کلیه امتحانات تمام پایه‌های دبیرستان نیز همچون برنامه و عناوین درسی، یکسان و متمرکز زیر نظر وزارت فرهنگ بود. در پایان سال ششم، امتحانات به صورت هماهنگ و کشوری و در بقیه پایه‌ها به صورت محلی به عمل می‌آمد. امتحانات نهائی در مرکز با حضور نمایندگان وزارت فرهنگ و ستاد ارتش و در شهرستان‌ها نیز با حضور نمایندگان ستاد ارتش و اداره فرهنگ محل و استادان دبیرستان که به سمت کارمند هیئت ممتحنه انتخاب می‌شدند، به عمل می‌آمد و رئیس دبیرستان نیز عهده‌دار ریاست هیئت ممتحنه بود. امتحانات بخش‌های کتبی، شفاهی و عملی داشت. ابتدا امتحانات کتبی و در صورت قبولی، ارزشیابی شفاهی به عمل می‌آمد. کسب معدل ده از بیست به معنی قبول در پایه مورد نظر بود. در صورت تجدید شدن دانش‌آموزان در خردادماه، آزمون مجدد در شهریورماه به عمل می‌آمد (ساکما، ۱۳۱۹: ۴۴۵۱۴-۲۹۷). برنامه دبیرستان‌های نظام عیناً برنامه آموزش وزارت فرهنگ بود و معلمین، حقوق خود را از این وزارتخانه دریافت می‌کردند (ساکما، ۱۳۱۲: ۳۲۷۵۴-۳۱۰). دبیران، در تخصص خود بسیار ماهر و مسلط بودند و امور آموزشی و فرهنگی مدارس را اداره می‌نمودند. تفاوت دبیرستان نظام با دیگر دبیرستان‌ها، فقط استفاده از لباس نظامی یا سردوشی آبی، کلاه کاسکت و نشان مخصوص (شعاع و کوکارد) با علامت سه رنگ پرچم ایران، شلوار سواری و مچ پیچ و پوتین بود (چکمه و پوتین به افسران اختصاص داشت) (پژمان، ۱۳۸۶: ۸۶).

۴. مدرسه عالی نظام / صاحب‌منصبی / دانشکده افسری

تأسیس دانشکده افسری در بهمن‌ماه ۱۳۰۰ ه.ش، سرعت برپایی ارتش جدید را تعمیق و تداوم بیشتری بخشید. این دانشکده از تأسیسات آموزشی مربوط به قزاق‌ها و مدرسه نظام که قبلاً مشیرالدوله آن را بنیان گذاشته بود، بهره‌برداری کرده و به امر آموزش و تربیت افسران ایرانی پرداخت (خلیلی‌خو، ۱۳۷۳: ۱۳۴). دوره تخصصی آموزش آن دو سال بود؛ سال اول، دروس عمومی نظامی تدریس می‌شد و در سال دوم، دانشجویان به رشته‌های پیاده، سوار و توپخانه تقسیم می‌شدند. بعدها صنف مهندسی نیز بر آنها افزوده شد (عاقلی، ۱۳۸۶: ۱۲۳). ورود به دانشکده افسری مستلزم داشتن دیپلم متوسطه بود و دوره آن دو سال و فارغ‌التحصیلان آن به درجه ستوان دومی مفتخر می‌شدند (فرید، ۱۳۸۳: ۱۳۵). شرایط ورود به دانشکده بدین شرح بود: ۱- تابعیت ایران، صحت مزاج، تناسب اندام، عدم سوءسابقه؛ ۲- داشتن دیپلم شش‌ساله (متوسطه علمی)؛ ۳- سن داوطلبان کمتر از ۱۸ و بیش از ۲۵ نباشد. داوطلبان پس از ورود در یکی از صفوف شش‌گانه (پیاده، سوار، توپخانه، مهندسی، نیروی هوایی، امور مالی) دانشکده افسری، پس

از طی دوره دوساله تحصیلی درجه ستوان دومی را به دست خواهند کرد (اطلاعات ۱۳۱۵، ۲۸۶۱: ۸).

برنامه تحصیلی دانشجویان سال دوم دوره‌ی دوم مدارس نظام - مدرسه صاحب‌منصبی - عبارت بود از:

۱- روزی ۴ ساعت (هفتصد و پنجاه ساعت در سال) دروس تئوری شامل: ریاضیات، ادبیات، علوم تجربی، فیزیک، شیمی، نساجی و نقشه‌برداری؛ ۲- دروس عملی شامل: ورزش، نظام جمع، مشق سواری، عملیات توپخانه، خدمات صحرائی، نقشه‌برداری عملی، تیراندازی و مانور؛ ۳- در تابستان، نود روز خدمات اردویی در اردوگاه تابستانی (یک‌رنگیان، ۱۳۸۴: ۲۳۶). از سال ۱۳۰۲ تا ۱۳۲۰ ه.ش طی نوزده دوره بالغ بر ۲۰۹۵ نفر فارغ‌التحصیل دانشکده افسری به درجه ستوان دومی نائل شدند و به یگان‌های مختلف ارتش اعزام گردیدند (جلالی، ۱۳۹۰: ۱۶۶-۱۶۷). از دانش‌آموختگان این مدارس می‌توان به فرزندان خود رضاشاه چون محمدرضا و علی‌رضا پهلوی، حسین فردوست، هوشنگ کاووسی (کاووسی، ۱۳۸۴: ۲۳۷)، حسین گل‌گلاب شاعر معروف ای ایران مرز پرگهر (گزارش، ۱۳۸۹: ۲۲) اشاره کرد (فراهانی، ۱۳۸۵/۲: ۲۶).

نتیجه‌گیری

نوسازی و بازنگری در آموزش‌های نظامی در دوره قاجار بعد از شکست ارتش سنتی ایران در جنگ با روس‌ها (۱۲۴۳-۱۲۴۱ و ۱۲۱۸-۱۲۲۸ ه.ق)، ضرورت نیاز به آموزش‌های نظامی را به صورت جدی مطرح ساخت. شرایط انجام تغییر و تحول در این زمینه با حمایت مصلحانی چون عباس میرزا و امیرکبیر و به وسیله‌ی مستشاران نظامی کشورهای اروپایی ایجاد آموزشگاه‌هایی برای تعلیم و تربیت نیروی منظم، کارآمد، متمرکز و دائمی برای انجام این امر ضروری به نظر می‌رسید. تأسیس مدرسه دارالفنون توسط امیرکبیر یک نهادسازی مهم و تاریخی در این زمینه محسوب می‌شود. پس از ایجاد مدرسه دارالفنون به عنوان یک مدرسه نظامی چندی بعد مدرسی به نام «مدارس نظام» با هدف آموزش‌های نظامی و تربیت نیروهای نظامی و در رقابت با دارالفنون ایجاد شد. این مدارس که به تقلید و سبک شعبه‌ی نظام دارالفنون بود و دروس آن نیز عمدتاً بر پایه دروس دارالفنون و استادان آن نیز غالباً دانش‌آموختگان مدرسه دارالفنون بودند، به دلیل عدم وجود تشکیلات منظم و منسجم و ساختار آموزشی پایدار و عمر کوتاه مدت، چندان مؤثر واقع نشدند. هر چند در بین مدارس نظام، مدرسه نظام وزارت جنگ (مشیرالدوله) عملکرد قابل قبول‌تری داشت، در مجموع منشأ تحول خاصی در آموزش نظامی دوره قاجار نشدند. در دوره پهلوی اول مدرسه نظام کل قشون از سال ۱۳۰۰ ه.ش در راستای تشکیل قشون متحدالشکل ایجاد شد که در ابتدای امر به دلیل ناهماهنگی و عدم سازمان‌دهی درست ناشی از ادغام نهادهای نظامی مختلف که هر کدام با سبک آموزشی متفاوت تعلیم دیده بودند، با مشکلاتی مواجه شد. به تدریج و با توسعه‌ی مدارس به دوره‌های مختلف تحصیلی و تشکیل مدرسه ابتدایی با دوره‌ی شش‌ساله، متوسطه با دوره‌ی چهار و سپس شش‌ساله و یک دوره‌ی دوساله آموزش عالی، مدارس نظام دارای تشکیلات منسجم و منظمی شد. مدارس نظام که وظیفه تربیت و آموزش کادر مورد نیاز ارتش را بر عهده داشت و پایه ورود به تشکیلات ارتش بود، طبق ضوابط و مقررات وزارت جنگ، اقدام به ثبت نام و پذیرش دانش‌آموزان کرد. اما این مدارس از نظر محتوای آموزش غیرنظامی، تابع مقررات وزارت معارف و بعدها وزارت فرهنگ بودند و دروس، طبق برنامه مصوب وزارت معارف/ فرهنگ در این مدارس تدریس می‌شد. نام مدارس سه‌گانه‌ی نظام از سال ۱۳۱۴ ه.ش، به ترتیب به دبستان نظام، دبیرستان نظام و دانشکده‌ی افسری تغییر یافت. مدارس نظام در دوره پهلوی اول به عنوان بخشی از فرایند نوسازی نظام آموزش عمومی و مخصوصاً آموزش نظامی، نسبت به مدارس نظام دوره قاجار از تشکیلات منسجم‌تر و آموزش کیفی‌تری برخوردار شدند. بهره‌گیری از معلمان کارآمد و ماهر، تعلیمات نظامی منطبق با روش‌های نظامی مرسوم، سطح کیفی

مطلوب آموزش، مقررات و شرایط ویژه در پذیرش دانش آموز و برگزاری امتحانات نهایی و آیین نامه های انضباطی از جمله مواردی بود که عملکرد و کارکرد این مدارس را مطلوب می ساخت و یکی از عواملی بودند که در تحول و نوسازی آموزشی نظامی و غیرنظامی دوره پهلوی اول تأثیر بسزایی داشتند.

منابع

الف) کتابها

- آقامحمدی، صمد و قنبری، علیرضا و کلانی، ابراهیم (۱۳۹۶). سیر تحول نظام آموزش عالی در ایران و ارتش، تهران: انتشارات دانشگاه پدافند هوایی خاتم الانبیاء (ص).
- بزرگمهر، جلیل (۱۳۷۷). خاطرات جلیل بزرگمهر از دکتر محمد مصدق، تهران: نشر علم.
- بیگدلی، غلامحسین (۱۳۸۸). از کاخ های شاه تا زندان های سیبری، تهران: انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- پژمان، جلال (۱۳۸۶). فروپاشی ارتش شاهنشاهی، تهران: انتشارات نامک.
- تکمیل همایون، ناصر (۱۳۷۶). تحولات قشون در تاریخ معاصر ایران، جلد ۱، تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی.
- جلالی، هوشنگ (۱۳۹۰). تاریخ نظامی ایران از دوره صفویه تا پایان دفاع مقدس، تهران: انتشارات ایران سبز.
- خلیلی خو، محمدرضا (۱۳۷۳). توسعه و نوسازی در دوره رضاشاه، تهران، جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی.
- رزم آرا، علی (۱۳۸۲). خاطرات و اسناد حاجعلی رزم آرا، تهران: پژوهش شیرازه.
- ستاد بزرگ ارتشداران (۱۳۳۷). مقدمه تاریخ نظامی ۳۳ ساله ارتش شاهنشاهی ایران، تهران: چاپخانه ارتش.
- سرداری نیا، صمد (۱۳۸۲). دارالفنون تبریز؛ دومین مرکز آموزش عالی ایران، تبریز: انتشارات ندای شمس.
- سنگوی، رامش (۱۳۵۶). آریامهر شاهنشاه ایران، ترجمه سیروس صدیق ارشادی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- سینائی، وحید (۱۳۸۴). دولت مطلقه، نظامیان و سیاست در ایران (۱۳۵۷-۱۲۹۹)، تهران: انتشارات کویر.
- شمیم، علی اصغر (۱۳۷۹). ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران: موسسه انتشارات مدبر.
- شهبازی، داریوش (۱۳۹۹). تاریخ قشون قاجاریه، تهران: نشر ماهریس.
- شیخ الاسلامی، جواد (۱۳۷۰). خاطرات سیاسی سر آرتور هاردینگ، تهران: موسسه انتشارات کیهان.
- صدیق، عیسی (۱۳۸۸). سیر فرهنگ در ایران و مغرب زمین، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- عاقلی، باقر (۱۳۸۶). رضاشاه و قشون متحدالشکل، تهران: انتشارات نامک.
- علی بابایی، غلامرضا (۱۳۸۲). تاریخ ارتش ایران از هخامنشی تا عصر پهلوی، تهران: انتشارات آشیان.
- فراهانی، حسن (۱۳۸۵). روزشمار تاریخ معاصر ایران، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی.
- فرید، ناصر (۱۳۸۳). تاریخ تحولات ارتش ایران، تهران: انتشارات کومش.
- قنبری، داریوش (۱۳۸۵). دولت مدرن و یکپارچگی ملی در ایران، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- کرونین، استفانی (۱۳۷۷). ارتش و حکومت پهلوی، ترجمه غلامرضا علی بابایی، تهران: انتشارات خجسته.
- کرونین، استفانی (۱۳۸۳). رضاشاه و شکل گیری ایران نوین، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران: انتشارات جامی.

- لطیفیان، سعیده (۱۳۸۰). ارتش و انقلاب اسلامی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۷۰). تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، جلد ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- معتضد، خسرو (۱۳۷۷). اشرف از سرای سنگلج تا سریر سلطنت، جلد ۱، تهران: انتشارات پیکان.
- معتضد، خسرو (۱۳۸۳). ارتش‌بدها و حدیث تاریخ پهلوی، تهران: انتشارات زرین.
- معطوفی، اسدالله (۱۳۸۲). تاریخ چهار هزارساله ارتش ایران، جلد ۲، تهران: انتشارات ایمان.
- مفتون دنبلی، عبدالرزاق (۱۳۵۱). مآثرالسلطانیه، به اهتمام غلامحسین صدری افشار، تهران: انتشارات ابن سینا.
- نفیسی، سعید (۱۳۶۶). تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر؛ از آغاز سلطنت قاجاریه تا پایان جنگ نخستین با روسیه، جلد ۱، تهران: انتشارات بنیاد.
- نوروزی فرسنگی، احمد (۱۳۸۶). ارتش در تاریخ و انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات زهد.
- هدایت، مهدیقلی (۱۳۸۵). خطرات و خطرات، زوار: تهران.
- یکرنگیان، میرحسین (۱۳۸۴). سیری در تاریخ ارتش ایران از آغاز تا پایان شهریور ۱۳۲۰، تهران: انتشارات خجسته.
- (ب) مقالات
- چمنکار، محمد جعفر (۱۳۹۷). «شکل‌گیری قوای سه‌گانه ارتش ایران در دوره پهلوی اول»، پژوهش‌نامه تمدن ایرانی، شماره ۱، صص ۹۱-۱۲۱.
- زندیه، حسن و یوسفی، جواد (۱۳۹۳). «ساختار آموزش انتظامی و نظامی در حکومت رضاشاه»، نشریه مطالعات تاریخ انتظامی، شماره ۲، صص ۵۳-۸۴.
- کرونین، استفانی (۱۳۹۴). «ورود مدرنیته به ایران؛ مأموریت‌های نظامی اروپایی‌ها در ایران عهد قاجار»، ترجمه مهدی کاظمی و محمد نعمتی، فصلنامه علمی ترویجی مطالعات انتظامی، سال دوم، شماره ۷، صص ۹۳-۱۳۸.
- کناروردی، قربانعلی و مرادی‌نیا، محمدجواد (۱۴۰۱). «آموزش نظامی در مدارس نظامی و غیرنظامی» فصلنامه مطالعات تاریخی جنگ، دوره ۶، شماره ۱، صص ۴۲-۵۷.
- (پ) روزنامه‌ها و نشریات
- اطلاعات ۱۳۱۴، ش ۲۵۳۷: ۷.
- اطلاعات ۱۳۰۷، ش ۵۹۹: ۴.
- اطلاعات ۱۳۱۵، ش ۲۸۶۱: ۸.
- فرهنگ اصفهان، ش ۸۹، ۹ ربیع‌الثانی ۱۲۹۸.
- فرهنگ اصفهان، ش ۱۰۳، ۲۰ رجب ۱۲۹۸.
- تعلیم و تربیت، سال ۴، مهر و آبان ۱۳۱۳، شماره ۷ و ۸.
- تعلیم و تربیت، سال ۱، آبان و آذر ۱۳۰۴، شماره ۸ و ۹.
- (ت) اسناد
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران؛ ارسال گواهی‌نامه‌های دانش آموزان دبستان نظام تهران و آمار آنها جهت تحویل به دبیرستان نظام (۱۳۱۷). شماره سند ۰۱۸۳۱۲-۲۹۷.

- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران؛ آیین‌نامه امتحانات نهائی شش‌ساله متوسطه دبیرستان‌های نظام تحت نظارت وزارت فرهنگ (۱۳۱۹). شماره سند ۰۴۴۵۱۴-۲۹۷.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران؛ برنامه امتحانات نهائی مدرسه ابتدایی نظام و گزارشی از برگزاری امتحانات و تعداد قبول‌شدگان مدرسه فوق (۱۳۱۰-۱۳۰۹). شماره سند ۰۱۶۳۲۵-۲۹۷.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران؛ مکاتبات وزارت جنگ و وزارت معارف در خصوص تعیین تکلیف حقوق و مزایای معلمان مدرسه نظام (۱۳۱۲). شماره سند ۰۳۲۷۵۴-۳۱۰.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران؛ پیشنهادهای مبنی بر تشویق دانش‌آموزان جهت ورود به دبیرستان‌های نظام (۱۳۱۵). شماره سند ۰۰۱۰۰۱-۲۹۷.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران؛ بخشنامه عدم پذیرش دانش‌آموزان مدارس نظام در مدارس دولتی و ملی بدون اجازه کتبی (۱۳۱۰). شماره سند ۰۰۴۸۶۴-۲۹۷.

